



حرف اول

■ بازنمایی اغراق آمیز رفتار یا ویژگی‌های اشخاص به منظور مضحک جلوه دادن آن، تعریفی است که از کاریکاتور در دایره‌المعارف هنر ارائه شده است. بر اساس این تعریف، کاریکاتور وسیله‌ای است که برای طعن و هجو اجتماعی و سیاسی، به کار برده می‌شود. این تعریف در فرهنگ عمید به این ترتیب است: "کاریکاتور، Caricature، تصویر خنده‌آور، شکل مضحک، نوعی نقاشی که نقاش، تصویری از کسی بکشد که با وجود شباهت، مضحک باشد." دکتر محمد معین نیز، در این باره نوشته است: کاریکاتور، شکل و تصویری مضحک که نقاش در ترسیم آن از نکات و دقائق مشخص موضوع

نگاهی به سرگذشت کاریکاتور

یک هنر شوخ و کج و معوج!

استفاده کند و آن نکات و دقائق را بارزتر و بزرگتر نشان دهد و در عین حال، تصویر باید با اصل موضوع شبیه باشد. کاریکاتور انواع زیادی دارد مثل کاریکاتور سیاه، کاریکاتور روزنامه‌ای، کاریکاتور بدون شرح و ... اما به طور کلی ۲ دسته کاریکاتور اکنون معمول است که عبارتند از: کاریکاتور نمایشگاهی و کاریکاتور مطبوعاتی. مهمترین تفاوت این دو نوع کاریکاتور، تاریخ مصرف آنها است. کاریکاتورهای مطبوعاتی برای یک محدوده خاص زمانی کشیده می‌شوند؛ در حالی که کاریکاتورهای نمایشگاهی چنین نیستند. کاریکاتوری که نقش طنزآمیزی از اجزاء صورت یا اعضای بدن یا مشخصه شخص یا اشخاص را به نحو اغراق و اغلب خنده‌آوری مجسم کند به گفته برخی اولین بار در قرن ۱۷ میلادی توسط کاراچی

در ایتالیا پایه گذاری شد. در قرن ۱۸م در انگلستان کاریکاتور بیست‌هایی چون هوگارت، با بسط آن به ساختن کاریکاتورهای هجوآمیز اجتماعی و سیاسی نیز پرداختند. بدین ترتیب طی قرن ۱۹، ورود این عنصر به نشریاتی که اساس کار آن‌ها کاریکاتور بود توانست جاذبه فراوانی میان مردم بیابد. ■ کاریکاتور مطبوعاتی در ایران کاریکاتور با فاصله زمانی نه چندان زیاد، پیش از انقلاب مشروطه وارد جرگه مطبوعاتی ایران شد و بزودی حضور اولیه انتقاد آمیخته شوخی از طریق کاریکاتور در مطبوعات منعکس شد. هر چند کاریکاتور در ابتدا عنصری فرعی، ناپخته و نامنسجم بود. اما می‌توان در نشریاتی چون «شاهسون» (اسلامبول، ۱۳۰۶ق) به مدیریت حاجی عبدالرحیم طالبوف؛ «طلوع» (بوشهر ۱۳۱۸ق) به مدیریت عبدالحمیدخان



■ انتشار مجله ناهید به مدیریت میرزا ابراهیم خان ناهید که به قول خودشان «خالقی-فکاهی- کاریکاتور» بود، از ۲۲ حمل ۱۳۰۰ آغاز می‌شود. در این کاریکاتور بخشی از آن را می‌بینید، صندوق قفل داری به عنوان تمثیلی از «بانک شاهنشاهی ایران» در حال خروج است؛ در حالی که روی آن نوشته شده: «آخرین رمق ایران است که خارج می‌شود» در حالی که فردی دیگر با صندوق قفل دیگر می‌آید و روی آن نوشته شده: «باب اقتصاد آمریکا». در مقابل این جعبه مردمی فقیر ایستاده و می‌گویند: «ای فرشته نجات زودتر بیا». این کاریکاتور در ۱۳ میزان ۱۳۰۲، برابر با ۲۴ صفر ۱۳۴۲ در شماره ۲۴ مجله ناهید منتشر شده است.



■ کاریکاتور ویکتور هوگو، اثر اونوره دومیه، ۱۸۴۹م

■ کاریکاتور ایران در سال ۱۹۰۳م متولد شد که اولین بار روزنامه ادب، چاپ مشهد آنرا منتشر کرد. کاریکاتور فوق را «حسین الموسوی، نقاش باشی آستان قدس رضوی» کشیده است. کتاب تاریخ انحطاط مجلس در این مورد می‌نویسد: «این نخستین کاریکاتور تاریخ مطبوعات ایران است که در «چهاردهم شوال ۱۳۲۰ق/ چهاردهم ژانویه ۱۹۰۳» در صفحه ۲، شماره ۵ روزنامه ادب به مدیریت میرزا صادق خان ادیب الممالک در شهر مشهد مقدس چاپ شده که «هیئت ترقی اهل اروپا» را با «هیئت تنزل مردم آسیا» مقایسه میکند و اثر خامه حسین الموسوی، نقاشباشی آستان قدس رضوی» است (تاریخ انحطاط مجلس... ص ۱۲). در این کاریکاتور به رقابت و پیشرفت اروپاییان و مقایسه آن با مردم آسیا در آن زمان می‌پردازد

دور دنیا در یک نگاه



ناجی العلی؛ کاریکاتوریستی از جنس مقاومت



■ «ناجی علی» در سال ۱۹۳۶ در دهکده فلسطینی «الشجره» متولد شد. بعد از تخریب این دهکده در سال ۱۹۴۸ توسط اسرائیلی‌ها، ناجی به همراه خانواده اش به اردوگاه «عین الهلوا» ی لبنان رانده شد. بعد از تجربه کارهای مختلفی مثل تعمیر ماشین در بیروت، دو سالی در عربستان سعودی زندگی کرد، اما بعد از آن دوباره به بیروت برگشت و به جنبش ملی گرایانه عرب Arab Nationalist Movement (ANM) پیوست و نشریه دست نویس سیاسی به نام السرخا را منتشر کرد، ۱۹۶۱، یکی از دبیران روزنامه الحریه، کارهایش را دید و برای اولین بار یکی از کاریکاتورهایش اواخر همان سال در این روزنامه منتشر شد او را می‌توان محبوب ترین کاریکاتوریست جهان عرب دانست. مجله «تامیز» در توصیف او نوشت: «او مردی است که با استخوان های انسان نقاشی می‌کند.» ناجی علی بسیار محبوب بود و البته بسیاری را هم خشمگین کرده بود و از همین رو خودش و خانواده اش بارها به مرگ تهدید شده بودند. در ۲۲ جولای ۱۹۸۷ هنگامی که او به سمت دفتر روزنامه «القیس» در لندن در حرکت بود، با شلیک گلوله از سوی موساد به شقیقه راستش ترور شد و سرانجام در ۲۹ آگوست پس از یک ماه کما، در بیمارستان، دیده از جهان فرو بست. ناجی العلی را با حنظله می‌شناسند، همان پسر بچه که پشتش به ماست، العلی در طول فعالیتش سیاست مدارن را و شخصیت‌های مهم را چندان سوزده نکرده است، بیشتر با پسر یا برهنه‌اش به انتقادهای تلخ از تماشگری تحولاتی که حقوق مردم و به خصوص فلسطینیان را ظایع کرده است اعتراض می‌کرد. ناجی علی شهید شد، ولی «حنظله» اش هم همان طور که خودش گفته بود، بعد از او زنده ماند و به نقش تماشگری دست بسته‌اش ادامه داد.